

[تفسیر اعای مرحوم اخوند و تضییق علقه وضعیه 1](#_Toc507401985)

[کیفیت علقه وضعیه در موضوع له اسماء و حروف 2](#_Toc507401986)

[اشکال مرحوم نایینی 2](#_Toc507401987)

[جواب: عدم وجود ملاک استعمال مجازی در معانی اسمی و حرفی 2](#_Toc507401988)

[نظر استاد: عدم دفع اشکال از ادعای مرحوم اخوند 3](#_Toc507401989)

[اشکال دوم بر ادعای مرحوم اخوند 3](#_Toc507401990)

[بیان اشکال به بیان دیگری 4](#_Toc507401991)

[جواب: خلط بین دو اصطلاح کلمه آلی 4](#_Toc507401992)

**موضوع**: بررسی اتحاد معنای حرفی و اسمی /بحث وضع /مقدمات علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در اشکالاتی بود که بر مسلک مرحوم اخوند شده است اشکال اول اشکالی بود که مرحوم اخوند متعرض شده بود و فرمود اگر معنای اسماء و حروف واحد باشند ترادف معانی اسماء و حروف پیش میاید و لازمه ترادف صحت استعمال هر کدام به جای دیگری است در حالی که این استعمال غلط است پس معنای واحدی ندارد. مرحوم اخوند جواب داد و فرمود با اینکه معنای اسمی و حرفی واحد است ولی در علقه وضعیه با هم متفاوت هستند زیرا در اسم علقه وضعیه مقید به استعمال ان در معنای مستقل است و در حروف علقه وضعیه ان مقید به استعمال در معنای غیر مستقل است. فلذا ترادف پیش نمیاید.

# تفسیر اعای مرحوم اخوند و تضییق علقه وضعیه

گفته شد که در کلام مرحوم اخوند اختلاف شده است[[1]](#footnote-1) انچه از کلام ایشان فهمیده میشود این است که ایشان نمیخواهد بگوید که در حروف واضع شرط کرده باشد ان ها در معانی غیر مستقل استعمال شود تا گفته شود که دلیل این شرط چیست؟ و اگر تخلف شود که اشکالی ندارد بلکه مراد ایشان تضییق علقه وضعیه است یعنی وقتی واضع از ابتدا علقه وضعیه بین حروف و معانی را وضع کرده است ان را ضیق وضع کرده است و علقه وضعیه در حال خاصی است نه انیکه علقه را وضع کرده باشد بعد شرط کرده باشد که در معنای غیر مستقل استعمال شود نظیر شرط ضمنی در بیع باشد.

## کیفیت علقه وضعیه در موضوع له اسماء و حروف

علقه وضعیه در حروف و اسامی متفاوت است یعنی در حروف که علقه وضعیه ضیق است ان را به نحو قضییه حینیه تحلیل میکند بیان مطلب این است که واضع در اسماء اسم را لحاظ کرده است و معنا را نیز لحاظ کرده است و هر دو لحاظ مستقل بوده است و در حالی که مستقل لحاظ کرده است ان را وضع کرده است و در حین وضع انها را استقلالا وضع کرده است مثلا الابتداء را برای ابتدائیتی وضع کرده است که استقلالا استعمال شده باشد و علقه وضعیه چون در حین و وقت لحاظ استقالالی است استعمال ان نیز ضیق میشود نه اینکه استقلالی به نحو شرط باشد و در حروف معنای ابتدائیت را اندکاکی به نحو اجمالی وابسته به یک غیری لحاظ کرده ااست. و همان حقیقت ابتدائیتی را که در اسماء مستقل لحاظ کرد همان را در حروف وابسته به غیر لحاظ کرده است. فلذا مرحوم اخوند میفرماید اختلاف حروف اسماء در علقه وضعیه است که در اسماء علقه وضعیه مختص به استعمال استقلالی است و در حروف علقه وضعیه مختص به استعمال غیر استقلالی است و این اختصاص نه به نحو اشتراط است و نه به نحو ادخال کیفیت استعمال در عملیات وضع است. به نظر ما تفسیر کلام مرحوم اخوند این مطلب است. و این تفسیر با کلمات ایشان سازگاری دارد و در تقریرات به این معنا تصریح میکند.

## اشکال مرحوم نایینی

بعد از اینکه ایشان همین مطلب را از کلام مرحوم اخوند فهمیده است اشکالی را مطرح میکند به اینکه استعمال اسم به جای حرف با اینکه در علقه وضعیه متفاوت هستند لااقل باید استعمال مجازی باشد در حالی که حتی به نحو مجاز نیز نمیتوان ان را استعمال کرد فلذا باید گفت بین معانی اسمیه و حرفیه اختلاف ماهوی وجود دارد.

### جواب: عدم وجود ملاک استعمال مجازی در معانی اسمی و حرفی

بعضی در مقام دفاع از مرحوم اخوند فرمودند که در باب استعمال مجازی دو مطلب وجود دارد. یک مطلب این است که مجوز استعمال مجازی چیست؟ بعضی گفته اند که مجوز علاقات است و به شمردن ان علاقات پرداخته اند و بعضی گفته اند که ملاک ذوق و طبع است هر کجا طبع ان را قبول کرد استعمال مجازی درست است و الا درست نیست. و مطلب دیگری این است که یک اختلافی بین مشهور و سکاکی است که مجاز را استعمال لفظ در معنای غیر موضوع له است که مبنای مشهور است و یا استعمال لفظ در معنای موضوع له است ولی با یک عنایتی که فرضی است. بنا بر این مقدمه گفته میشود که استعمال معنای اسمی به جای حرفی و بالعکس حتی به نحو مجاز نیز درست نیست چون نه علاقه وجود دارد و نه طبع میپذیرد فلذا طبق هر دو مبنا استعمال غلط است و از لحاظ مطلب دوم نیز استعمال درست نیست زیرا اگر مبنای مشهور درست است که استعمال درست نیست چون موضوع له یکی است واگر مبنای سکاکی درست باشد باز هم استعمال درست نیست زیرا باید ادعای فرضی وجود داشته باشد در حالی که ادعایی وجود ندارد.

#### نظر استاد: عدم دفع اشکال از ادعای مرحوم اخوند

انصاف این است که این مطالب اشکال را از مرحوم اخوند مندفع نمیکند زیرا با این که موضوع له یکی است چگونه طبع استعمال هر کدام را به جای دیگری نمیپسندد؟ خود مرحوم اخوند در یک جا این مجازیت را قبول کرده است ایشان در بحث اواامر فرموده است که امر وضع شده است در طلب انشائی به علاوه داعی جد که قید علقه وضعیه است یعنی وقتی که امری صادر شد و و طلب انشائی وجود داشت و داعی جد نیز وجود دارد امر حقیقی صادر شده است و اگر داعی جدی نباشد استعمال مجازی است[[2]](#footnote-2) پس در جایی که قید تخلف کرده است استعمال مجازی صحیح است. انتفاء قید که بدتر از انتفاء خود معنای موضوع له که نیست بلکه بهتر است. و خیلی بعید است که معنای موضوع له یکی باشد ولی چون قید نباشد استعمال غلط باشد در حالی که استعمال مجازی ان غلط است.

خلاصه: مرحوم اخوند گفت که اشکال اول این است که لازمه ی اتحاد معنای اسمی و حرفی ترادف است در حالی که نیست و مرحوم نائینی اشکال کرد که لازمه ی ان ترادف است ولی استعمال مجازی ان باید درست باشد در حالی که درست نیست.

## اشکال دوم[[3]](#footnote-3) بر ادعای مرحوم اخوند

منظور از معنای حرفی چیست؟ اگر منظور معنای آلی است غلط است چون مورد نقض دارد زیرا در بعضی موارد حالت آلی دارند ولی اسم هستند و بعضی موارد معنای حرفی است ولی آلی نیست مثلا کلوا .....حتی یتبین .... این تبین معنای اسمی است ولی در این جا آلی اخذ شده است و اگر مراد از معنای حرفی حالة للغیر است یعنی مثلا ابتدائیت حالت برای سیر از بصره به کوفه باشد باز هم غلط است چون ماده نقض دارد زیرا فرق بین مصدر و اسم مصدر این است که در مصدر معنا ان مستند به فاعل لحاظ شده است و حالة للغیر لحاظ شده باشد ولی در اسم مصدر ذات حدث لحاظ شده است و باید مصادر معنای حرفی پیدا کنند در حالی که این گونه نیست.

### بیان اشکال به بیان دیگری

ایشان فرموده است که معنای حرفی مقصود اصلی در متفاهمات عرفی است مثلا بودن زید در خانه را اگر بخواهیم بفهمانیم مقصود اصلی از القاء جمله همان ظرفیت خانه برای زید است و ظرفیت یک معنا حرفی است و اسناد ها هستند که مقاصد القاء کلام ها است فلذا اینکه میگویند معانی حرفی آلی هستند درست نیست چون مقصود اصلی هستند و اینکه میز بین معنای اسمی و حرفی آلیت باشد درست نیست.

### جواب: خلط بین دو اصطلاح کلمه آلی

آلی دو اصطلاح دارد یکی از معانی آلیت این است که اصل در تفهیم نباشد بنا بر این معنا حروف معنای آلی ندارند بلکه مقصود اصلی هستند ولی منظور از آلیت در این مقام این مطلب نیست و یک معنای آلیت این است که مستقل به ذهن نمیاید بلکه باید با طرف اجمالی باشد تا در ذهن بیاید طبق این معنا حروف معنای آلی دارند و منظور مرحوم اخوند همین معنا است و اشکال وارد نیست.

اینکه ایشان به مصدر اشکال کردن نقض ایشان درست نیست زیرا مصدر این لحاظ معنای حرفی دارند زیرا مصدر یک ماده دارد و یک هیئت. و از جهت هیئت معنای حرفی دارد.

خلاصه: ادعای مرحوم اخوند علاوه بر اینکه دلیل ندارد بلکه منبه بر خلاف دارد و ان عبارت است از اینکه استعمال مجازی معنای حرفی و اسمی درست نیست. پس اختلاف معنا دارند. حال اختلاف در چیست؟ در جلسه اینده

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص12.](http://lib.eshia.ir/27004//12/وضع) [↑](#footnote-ref-1)
2. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص62.](http://lib.eshia.ir/27004//62/امر) [↑](#footnote-ref-2)
3. المحاضرات ج 1 ص 58 [↑](#footnote-ref-3)